

بررسی میزان رواج همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن

حسن شمس اسفندآباد*

سوزان امامی پور**

چکیده

پیامدهای همسرآزاری در جوامع و تأثیرات سوء آن بر مادران و فرزندان در پژوهش‌های متعددی نشان داده شده است. از مشخصات عمومی همسرآزاری، پنهان بودن آن از انظار است؛ به طوری که اغلب زنان ایران آزار همسرانشان را تحمل می‌کنند. از این رو تحقیقات قابل توجهی در داخل کشور وجود ندارد. به منظور بررسی رواج همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن در میان زنان متأهل شهر تهران از الگوی پرسش‌نامه موفیت و همکاران (۱۹۹۷) استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش که میزان همسرآزاری را ۸۱/۷۱ درصد گزارش می‌کند، مشخص می‌سازد که بین سن، میزان تحصیلات، شغل و میزان درآمد زن و شوهر با میزان همسرآزاری شوهران رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین با افزایش مدت زمان ازدواج میزان همسرآزاری کاهش نیافته و تحمل اجتماعی نه تنها به بقای خشونت خانگی کمک می‌کند بلکه موجب افزایش آن نیز می‌شود.

واژگان کلیدی

خشونت، زنان، سن، همسرآزاری.

shams_eh@yahoo.com

semamipur@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله : ۵ بهمن ماه ۱۳۸۱.

تاریخ پذیرش مقاله : ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۲.

* . استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

** . استادیار دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

با توجه به رواج همسرآزاری در جوامع و تأثیرات سوء آن بر مادران و فرزندان، بازتاب آزار زنان در جامعه بین‌المللی بسیار وسیع بوده است. همسرآزاری شامل بدرفتاری علیه طرف مقابل، در هر نوع رابطه نزدیک و صمیمی، خشونت در خانواده و خشونت علیه همسر است. همسرآزاری می‌تواند اشکال گوناگون بدنی، کلامی، عاطفی، روانی، جنسی و اقتصادی داشته باشد. اگرچه زنان هدف عمده سوء رفتار هستند، اما خشونت همچنین می‌تواند علیه کودکان و دیگر اعضای خانواده نیز به‌کار برده شود. در روابط زناشویی سوء رفتار با همسر یک مشکل جدی است که خطوط قرمز فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را زیر پا می‌گذارد و می‌تواند تأثیر اساسی بر سلامت جسمی و روانی خانواده داشته باشد.

همسرآزاری به مراتب از آنچه به‌نظر می‌آید، رایج‌تر است. در واقع خشونت خانگی علیه زنان امری جهانی است. طبق آمار منتشر شده به وسیله سازمان بهداشت جهانی^۱ (۱۹۹۷) از هر سه زن یک زن در طول زندگی خود مورد خشونت خانگی واقع می‌شود. حدود چهار میلیون از زنان امریکایی در طول ۱۲ ماه، حداقل یک‌بار مورد ضرب و شتم شدید همسرانشان قرار می‌گیرند که از ۳۰ تا ۳۵ درصد زنان امریکایی که درگیر آزار جسمی هستند ۱۵ تا ۲۵ درصد آنان حتی به هنگام بارداری نیز مورد ضرب و شتم شوهرانشان قرار می‌گیرند.

در کلمبیا، بیش از ۲۰ درصد زنان مورد آزار کلامی یا روانی شوهرانشان قرار می‌گیرند. میزان همسرآزاری گزارش شده در کنیا ۴۲ درصد (سام‌گیس، ۱۳۷۷: ۵)، در هندوستان ۲۲ تا ۶۰ درصد (رائو^۲، ۱۹۹۷) و در آلبانی ۴۰ تا ۸۰

1 . World Health Organization

2 . Roa

درصد (بانچ^۱، ۱۹۹۰ : ۴۹۸-۴۸۶) است. در ایران خشونت نسبت به زنان غالباً از سال‌های نخست ازدواج آغاز می‌شود. در سال ۱۳۷۵، از هر ۱۰۰ زن آزار دیده که به پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند، ۸۱ مورد پیش از پایان اولین سال ازدواج مورد آزار و اذیت همسرانشان قرار گرفته بودند (سام‌گیس، ۱۳۷۷).

برخلاف بسیاری از مشکلات جوامع امروزی، خشونت علیه همسر و فرزندان فقط حاصل زندگی شهری مدرن نیست. همسرآزاری فراتر از مرزهای طبقاتی و نژادی است. بسیاری از پژوهش‌ها نشانگر آن بوده‌اند که عوامل بسیاری ممکن است با همسرآزاری در رابطه باشند که وضعیت اقتصادی - اجتماعی یکی از این عوامل است. به عبارتی همسرآزاری در خانواده‌های دارای وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین‌تر رایج‌تر است (فلمنگ^۲، ۱۹۷۹).

اعتیاد به مواد مخدر نیز از دیگر عواملی است که با همسرآزاری رابطه دارد. بسیاری از تحقیقات رابطه بین اعتیاد به مواد مخدر و خشونت خانگی را نشان می‌دهد؛ هرچند که این رابطه ممکن است الزاماً یک رابطه مستقیم نباشد.

مطالعات نشان می‌دهند عوامل دیگری نیز وجود دارند که با همسرآزاری رابطه دارند؛ عواملی چون «پرورش یافتن در یک خانواده خشن و دارای سوءرفتار و مبتلا به اعتیاد»، «سطح پایین آموزش و وضعیت بد اقتصادی»، «پذیرش یا نادیده گرفتن اعمال خشونت علیه زنان»، «استفاده از الکل و مواد مخدر» و «تمایل افراد به کسب قدرت شخصی».

همسرآزاری نه تنها تندرستی، سلامت روحی و تعادل عاطفی - روانی زن و شوهر را به خطر می‌اندازد؛ بلکه بر فرزندان نیز تأثیرات سوء دارد. کودکانی که در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که والدین آنها درگیر سوء رفتار بوده‌اند، در بزرگسالی هنگامی که با فرزندان خود خشونت به خرج می‌دهند، از همان الگوهای پرخاشگرانه که والدین آنها به کار برده‌اند استفاده می‌کنند (پاترسون^۳ و همکاران، ۱۹۸۲).

1 . Bunch

2 . Fleming

3 . Patterson

به‌طورکلی خشونت بین والدین بر فرزندان که درگیر این مسأله هستند تأثیرات عمیقی می‌گذارد. کودکان چه به عنوان شاهد و چه به عنوان قربانی، خواسته یا ناخواسته با موضوع خشونت خانگی مرتبط هستند. این امر می‌تواند تأثیرات سوء بسیاری بر بهداشت و سلامت روانی آنها داشته باشد (جف^۱ و همکاران، ۱۹۹۰). انجمن روان‌شناسی آمریکا^۲ (۱۹۹۶) اعلام کرده است که در هر سال ۳/۵ میلیون کودک با خشونت خانگی نسبت به مادرانشان مواجه هستند.

در خانواده‌هایی که همسرآزاری روی می‌دهد ۱۵۰۰ بار بیشتر احتمال وجود دارد که کودکان نیز مورد سوءرفتار قرار گیرند. همسرآزاری نه تنها مشکلات فراوانی برای خانواده‌های درگیر دارد بلکه در سطوح کلان‌تر هزینه سنگینی به جامعه تحمیل می‌کند (بانک جهانی^۳، ۱۹۹۳).

در چهارمین کنفرانس حقوق بشر در «وین» در سال ۱۹۹۷، «خشونت علیه زنان» یکی از سوژه‌های دارای اولویت برای بررسی در جلسات کنفرانس تشخیص داده شد و این نکته مهم نیز مورد تأکید قرار گرفت که خشونت، جسم، روان و آزادی زنان را تهدید می‌کند (کار، ۱۳۷۹).

یکی از مشخصات عمومی خشونت خانگی علیه زنان در سراسر جهان، پنهان بودن آن از نظرها در بیشتر موارد است. به عبارت دیگر زنان تا به اصطلاح «کار» به استخوانشان نرسد، از زندگی خشونت‌آمیز خود حرفی به میان نمی‌آورند. زنان ایرانی تمایلی به بحث درباره خشونت خانگی و گزارش آن ندارند.

با توجه به این‌که در فرهنگ و مذهب ما خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است، در غالب زنان ایرانی این نگرش که حفظ خانواده با اهمیت‌تر از خود آنها و سلامتی‌شان است عمیقاً وجود دارد و آنها خشونت و آزاری که در خانه به وسیله همسرشان متوجه‌شان می‌شود را تحمل می‌کنند. عامل اخیر باعث گردیده که

1 . Jaffe

2 . American Psychological Association

3 . World Bank

تحقیقات و آمار قابل توجهی در این ارتباط در داخل کشور موجود نباشد (مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۷۹) این امر به نوبه خود ضرورت و اهمیت انجام تحقیقات در زمینه همسرآزاری را نشان می‌دهد.

چارچوب نظری

در طول چهل سال گذشته بسیاری از پژوهشگران کوشش کرده‌اند تا برای این پرسش که چرا همسرآزاری رخ می‌دهد پاسخی بیابند. بیشتر توضیحات اولیه بر عوامل روان‌شناختی و روان‌پزشکی تمرکز داشته‌اند. برای مثال، اسنل^۱، روزنوالد^۲ و روبی^۳ (۱۹۶۴) مدعی بودند که شخصیت آزاردوستی^۴ زن موجب می‌شود که وی به وسیله همسرش مورد سوء رفتار قرار گیرد. به عبارت دیگر زنان به این دلیل که از مورد آزار قرار گرفتن لذت می‌برند، به وسیله همسرانشان مورد آزار قرار می‌گیرند. این نظریه به این دلیل که گناه را گردن قربانی می‌انداخت مردود شناخته شد. سپس نظریات جدیدتری مطرح شد.

در میان تمامی نظریه‌هایی که سعی کرده‌اند پدیده همسرآزاری را توضیح دهند، نظریه فمینیست^۵ (برابری زن و مرد) توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. این دیدگاه بر (۱) تجربه جنسیت تأکید می‌کند، (۲) تشخیص می‌دهد که زن در جامعه در مقام یا درجه دوم قرار دارد، و (۳) متعهد می‌شود که به این اختلاف پایان دهد.

نظریه برابری زن و مرد نه تنها زندگی زنان بلکه زندگی مردان در مقایسه با زندگی زنان، و چگونگی تعامل دو جنس با یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد.

1 . Snell

2 . Rosenwald

3 . Robey

4 . Masochistic Personality

5 . Feminist Theory

براساس این نظریه روابط دو جنس اساساً رابطه قدرت است. در رابطه‌ای که مرد از همسر خود سوءاستفاده می‌کند، مرد همسر خود را با مورد سوء استفاده قرار دادن فیزیکی یا کلامی یا روان‌شناختی و یا هر سه تحت سلطه و انقیاد در می‌آورد (اسموند^۱ و تورن^۲، ۱۹۹۳).

این نظریه در توضیح پدیده همسرآزاری عقیده دارد به‌کارگیری خشونت به‌وسیله شوهر منعکس‌کننده قدرت، اختیار و موقعیت اجتماعی بالاتر مردان است. این امر در بسیاری از مردان این باور را به‌وجود می‌آورد که آنها حق‌دارند که همسرانشان را مورد سوءاستفاده قرار دهند. پس خاتمه‌دادن به همسرآزاری مستلزم تجدید ساختار رابطه قدرت بین زن و مرد در جامعه است.

نظریه فرهنگ خشونت^۳ از دیگر نظریه‌های مربوط به همسرآزاری است. این نظریه بیان می‌کند که اساس انواع گوناگون رفتارهای سوء مانند همسرآزاری، کودک‌آزاری و سالمندآزاری را پذیرش خشونت به‌وسیله جامعه تشکیل می‌دهد. به‌عنوان نمونه، جوامع استفاده از خشونت را نوعی ابزاری برای حل تضادها در سطوح شخصی، ملی و جهانی شناخته‌اند.

براساس این نظریه در تمامی سطوح جامعه خشونت به‌عنوان وسیله‌ای قانونی و مشروع و منطقی برای حل مشکلات پذیرفته شده است (ویانو^۴، ۱۹۹۲). پس این احتمال وجود دارد که مرد برای حل مشکلات در خانه از خشونت استفاده کرده و همسر خود را مورد آزار قرار دهد. از این رو، برای متوقف ساختن همسرآزاری در متغیرهای فرهنگی جامعه که مشوق خشونت است تجدید ساختار ضروری است.

1 . Osmond

2 . Thorne

3 . Culture of Violence Theory

4 . Viano

نظریه نقش جنسی^۱ یکی از نظریات مرتبط با همسرآزاری است. بر اساس این نظریه نقش جنسی زن در فرایند اجتماعی شدن در دوران کودکی منجر به مورد سوءاستفاده قرار گرفتن در بزرگسالی پس از ازدواج می‌شود (واکر^۲، ۱۹۷۹).

نظریه نقش جنسی توضیحات نسبتاً ساده‌ای برای همسرآزاری دارد؛ نقشی که مردان و زنان ایفا می‌کنند مردان را در موقعیتی قرار می‌دهد که زنان را مورد سوءاستفاده قرار دهند و زنان را در موقعیتی قرار می‌دهد که مورد سوءاستفاده قرار گیرند. از این رو، متوقف ساختن همسرآزاری مستلزم تجدید ساختار در موارد زیر است:

۱. نقش‌هایی که مردان و زنان در جامعه ایفا می‌کنند.

۲. فرایند اجتماعی شدن که به این نقش‌ها منتهی می‌شود.

نظریه انتقال بین نسل‌ها^۳ یکی دیگر از نظریات مربوط به همسرآزاری است که برپایه نظریه یادگیری اجتماعی استوار است. براساس نظریه یادگیری اجتماعی مردان سوءاستفاده‌گر از تجارب کودکی خود در خانواده یاد می‌گیرند که خشم خود را از راه‌های خشونت‌آمیز بیان کنند.

براساس نظریه انتقال بین نسل‌ها افرادی که در کودکی در خانه خشونت را تجربه می‌کنند یا شاهد آن هستند در بزرگسالی به احتمال زیاد در خانه خود از خشونت استفاده خواهند کرد. به عبارت دیگر مردانی که به وسیله پدران‌شان مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند یا شاهد مورد سوء استفاده قرار گرفتن مادرانشان به وسیله پدران‌شان بوده‌اند به احتمال زیاد همسر یا فرزندان خود را مورد سوء استفاده قرار خواهند داد (جانستون^۴، ۱۹۸۸).

1 . Sex-Role Theory

2 . Walker

3 . The Intergenerational Transmission Theory

4 . Johnston

نظریه انتقال بین نسل‌ها اعتقاد دارد که سوءرفتار از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در نتیجه آنهایی که متعلق به خانواده‌هایی هستند که در آنها خشونت یک وسیله پذیرفته شده برای حل مشکلات است، احتمال بیشتری دارد که در حل مسائل در خانواده‌ای که تشکیل خواهند داد از خشونت استفاده کنند و این خشونت را به نسل‌های بعد انتقال دهند. پس متوقف ساختن سوءرفتار مستلزم پیشگیری از تنبیه فیزیکی و روانی کودک و همسر و پیشگیری از خشونت بین فردی است.

پترسون^۱، مایر^۲ و سلیگمن^۳ (۱۹۹۳) همسرآزاری را با پدیده درماندگی آموخته‌شده مرتبط می‌سازند. از نظر آنها زنانی که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند بهت‌زدگی و انفعال را تجربه می‌کنند. درچنین رابطه‌ای احساس عدم کنترل بر موقعیت سوءاستفاده‌آمیز ممکن است منجر به درماندگی آموخته شده شود.

به عبارت دیگر زنی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته است ممکن است یاد بگیرد که کوشش‌های وی برای متوقف ساختن شرایط سوءاستفاده‌آمیز بی‌حاصل است، و هرچه او انجام بدهد نمی‌تواند مانع این رخداد شود.

واکر (۱۹۷۹) در بسیاری از زنان جامعه مورد پژوهش خود، ویژگی‌هایی را که در افراد با درماندگی آموخته‌شده مشاهده می‌شود، یافت. آنها به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی خشونت مجاز به ادامه بود. آنها حتی وقتی که از نظر دیگران امکان اجتناب و فرار از این موقعیت‌ها وجود داشت، به طور فعال در متوقف ساختن یا فرار از موقعیت سوءاستفاده‌آمیز سعی نمی‌کردند.

1 . Peterson

2 . Mai

3 . Seligman

برخی از این نظریه‌ها ریشه در جامعه‌شناسی و برخی دیگر ریشه در روان‌شناسی دارند، اما هردو قلمرو برای توضیح همسرآزاری اهمیت دارند. استراوس^۱ در این باره می‌گوید:

توضیح همسرآزاری به وسیله عوامل روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی به تنهایی، مانند کوشش در تماشای تلویزیون است با در دست داشتن مقدار سیم، لامپ تلویزیون و دیگر اجزای آن. تنها وقتی می‌توان تصویر داشت که آنها به طریق خاصی با هم ترکیب شوند. پس ترکیبی از عوامل فردی، فرهنگی و اجتماعی در موقعیت‌هایی که موجب همسرآزاری می‌شوند دخیل هستند (استراوس، ۱۹۷۷: ۱۹۶).

پژوهش حاضر با نگرش استراوس، علاوه بر بررسی میزان رواج همسرآزاری در راستای مطالعه تأثیر عوامل مؤثر بر همسرآزاری سعی دارد، پاسخگوی پرسش‌ها زیر نیز است:

- آیا بین همسرآزاری و سن زن و شوهر رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
- آیا بین همسرآزاری و میزان تحصیلات زن و شوهر رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
- آیا بین همسرآزاری و شغل زن و شوهر رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
- آیا بین همسرآزاری و میزان درآمد خانواده رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
- آیا بین همسرآزاری و مصرف الکل و مواد مخدر به وسیله شوهر رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
- آیا بین همسرآزاری و مدت زمان ازدواج زن و شوهر رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
- آیا بین همسرآزاری و مورد سوء قصد قرار گرفتن شوهر در دوران کودکی رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

روش پژوهش

جامعه پژوهش حاضر را زنان متأهل ۱۸ تا ۴۰ سال ساکن شهر تهران در سال ۱۳۸۰ تشکیل می‌دهند. علت انتخاب این دامنه سنی آن است که بیشترین میزان همسرآزاری معمولاً در آن مشاهده می‌شود. تعداد این گروه از زنان در سال ۱۳۷۵، ۶۱۸۴۳۳ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). در پژوهش حاضر تعداد این افراد ۵۰۰۰۰۰ نفر در نظر گرفته شده است و نمونه‌گیری با توجه به این تعداد و با کاربرد فرمول پیشنهادی ایزراییل^۱ (۱۹۹۲) و با پذیرش سطح خطای ۰/۰۵ درصد صورت گرفته است.

$$n = \frac{N}{1 + N(e)^2}$$

نمونه آماری پژوهش حاضر را ۴۰۰ نفر از این زنان تشکیل می‌دهند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌های این پرسش‌نامه از پرسش‌نامه تهیه شده به وسیله موفیت^۲ و همکاران (۱۹۹۷) اقتباس شده است. این پرسش‌نامه شامل ۳۶ پرسش است که همسرآزاری جسمی* و همسرآزاری روانی** را می‌سنجد. سپس پرسش‌های متناسب با شرایط خاص اجتماعی - فرهنگی جامعه ایران انتخاب شد و پرسش‌هایی نیز با توجه به فرهنگ و جامعه ایران به آنها اضافه شد و با به‌کارگیری مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت^۳ پرسش‌نامه نهایی تنظیم گردید.

1 . Isreal

2 . Moffitt

* . همسرآزاری جسمی عبارت از استفاده عمدی از زور علیه فرد دیگر است و شامل رفتارهایی نظیر هل دادن، سیلی زدن، مشت یا لگد زدن، گاز گرفتن، تهدید با چاقو یا سلاح گرم و یا استفاده از آنها می‌شود.
 ** . همسرآزاری روانی به هرگونه استفاده از کلام، نگاه یا رفتارهای دیگر (مانند بددهانی، تمسخر، توهین، فحاشی، تهدیدهای مداوم به طلاق دادن زن و ازدواج مجدد) جهت کنترل، آزار، تحقیر و تهدید طرف مقابل گفته می‌شود.

3 . Likert

موفیت و همکاران (۱۹۹۷) ضریب پایایی پرسش‌نامه را برای بخش پرسش‌های مربوط به همسرآزاری جسمی ۰/۸۲ و برای بخش پرسش‌های مربوط به همسرآزاری روانی ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ، برای بخش پرسش‌های همسرآزاری جسمی ۰/۹۴ و برای بخش پرسش‌های همسرآزاری روانی ۰/۹۲ و برای کل پرسش‌های پرسش‌نامه ۰/۹۶ به دست آمد. نتایج، نشان‌دهنده پایایی بسیار بالای این پرسش‌نامه است.

یافته‌های پژوهش

۱. میزان رواج همسرآزاری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۱۸/۳ درصد آزمودنی‌ها (۷۳ نفر) هرگز مورد همسرآزاری به وسیله همسرانشان قرار نگرفته‌اند و ۸۱/۷ درصد آزمودنی‌های باقیمانده (۳۲۷ نفر) گاهی تا همیشه مورد همسرآزاری شوهرانشان قرار گرفته‌اند. میانگین همسرآزاری گزارش شده در آزمودنی‌ها ۴۸/۵ و انحراف معیار آن ۱۸/۶۲ است.

۲. رابطه همسرآزاری با سن زن و شوهر

به منظور بررسی رابطه همسرآزاری با سن زن و شوهر، ضریب همبستگی پیرسون^۱ بین نمره همسرآزاری و سن زن و شوهر محاسبه شد. ضریب همبستگی به دست آمده برای همسرآزاری و سن زن ۰/۱۷ است که در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین ترتیب بین همسرآزاری و سن زن رابطه معنی‌دار وجود دارد، بدین معنی که با افزایش سن، زنان بیشتر مورد همسرآزاری شوهرانشان قرار می‌گیرند. ضریب همبستگی به دست آمده برای همسرآزاری و سن مرد ۰/۱۶ است که در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین ترتیب بین همسرآزاری و سن مرد رابطه معنی‌دار وجود دارد، بدین معنی که با افزایش سن مرد، همسرآزاری در وی افزایش می‌یابد.

1. Pearson

۳. رابطه همسرآزاری و میزان تحصیلات زن و شوهر

به منظور بررسی رابطه همسرآزاری و میزان تحصیلات زن و شوهر، این دو براساس تحصیلات به چهارگروه تقسیم شدند.

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات همسرآزاری بر حسب میزان تحصیلات زن و شوهر

شوهر			زن			میزان تحصیلات
انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۲۵/۵۴	۶۶	۱۸	۱۹/۸۲	۵۳/۳۰	۱۲	بی سواد
۲۰/۳۰	۵۵/۱۹	۸۶	۲۱/۵۰	۵۵/۰۹	۷۵	زیر دیپلم
۱۸۷/۱	۴۷/۴۸	۱۶۲	۱۹/۱۱	۵۷/۴۹	۱۶۷	دیپلم و فوق دیپلم
۱۲/۱۳	۴۳/۰۷	۱۳۴	۱۴/۷۴	۴۳/۴۶	۱۴۶	کارشناسی و بالاتر

چنان که ملاحظه می شود با افزایش تحصیلات زن و شوهر از همسرآزاری کاسته می شود. به منظور بررسی معنی داری تفاوت بین میانگین های چهار گروه از آزمون تحلیل واریانس یک سویه^۱ استفاده شد.

جدول شماره ۲. تحلیل واریانس یک سویه برای مقایسه همسرآزاری بر حسب میزان تحصیلات زن و شوهر

شوهر			زن			منبع واریانس
کل	درون گروه ها	بین گروه ها	کل	درون گروه ها	بین گروه ها	
۱۳۸۲۸۰	۱۲۴۷۹۷/۳۴	۱۳۴۸۲/۶۶	۱۳۸۲۸۰	۱۳۰۸۰۱/۵۳	۷۴۷۸/۴۷	مجموع مجذورات
	۳۱۵/۱۴	۴۴۹۴/۲۲		۳۳۰/۳۱	۲۴۹۲/۸۲	میانگین مجموع مجذورات
۳۹۹	۳۹۶	۳	۳۹۹	۳۹۶	۳	رابطه آزادی
	۱۴/۲۶			۷/۵۵		F
	۰/۰۰۱			۰/۰۰۱		سطح معنی داری

F محاسبه شده برحسب تحصیلات زن و شوهر بزرگتر از F جدول با درجه آزادی ۳۹۶، ۳ در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ است. بنابراین بین میانگین‌های نمرات همسرآزاری زن و شوهر با میزان تحصیلات زن و شوهر تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتایج آزمون تعقیبی شفه^۱ نشان داد که میزان همسرآزاری در مردانی که زنان آنها دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر هستند به طور معنی‌داری کمتر از سه گروه دیگر است. همچنین میزان همسرآزاری در مردانی که بی‌سواد و یا زیردیپلم هستند به طور معنی‌داری بیش از دو گروه دیگر است.

۴. رابطه همسرآزاری و شغل زن و شوهر

به منظور بررسی رابطه همسرآزاری و شغل زن و شوهر، زنان به پنج گروه شغلی و مردان نیز به چهار گروه تقسیم شدند. (منظور از مشاغل بالا دکتر و مهندس می‌باشد).

جدول شماره ۳. میانگین و انحراف معیار نمرات همسرآزاری برحسب شغل زن و شوهر

شوهر			شغل	زن			شغل
انحراف معیار	میانگین	تعداد		انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۲۷/۶۱	۶۰/۶۰	۲۵	کارگر	۲۵/۴۷	۶۲/۳۳	۱۲	کارگر
۱۲/۷۹	۴۴/۷۲	۱۶۸	کارمند	۱۸/۵۲	۴۷/۳۵	۱۲۹	کارمند
۱۳/۰۲	۴۳/۴۵	۶۴	مشاغل بالا	۶/۳۴	۴۰/۴۲	۱۲	مشاغل بالا
۲۱/۹۷	۵۳/۰۸	۱۴۳	آزاد	۱۳/۷۱	۴۳/۵۸	۶۳	دانشجو
-	-	-	-	۱۹/۳۳	۵۰/۶۱	۱۸۴	خانه‌دار

به منظور بررسی معنی‌داری تفاوت بین میانگین‌های همسرآزاری برحسب شغل زن و شوهر از آزمون تحلیل واریانس یک‌سویه استفاده شد.

جدول شماره ۴. تحلیل واریانس یک‌سویه برای مقایسه همسرآزاری برحسب شغل زن و شوهر

شوهر			زن			منبع واریانس
کل	درون گروه‌ها	بین گروه‌ها	کل	درون گروه‌ها	بین گروه‌ها	
۱۳۸۲۸۰	۱۲۷۵۹۳/۸۶	۱۰۶۸۶/۱۳	۱۳۸۲۸۰	۱۳۲۶۸۹/۹۸	۵۹۹/۰۲	مجموع مجذورات
	۳۲۲/۲۱	۳۵۶۲/۰۴		۳۳۵/۹۲	۱۳۹۷/۵۰	میانگین مجموع مجذورات
۳۹۹	۳۹۶	۳	۳۹۹	۳۹۵	۴	رابطه آزادی
۱۱/۰۵			۴/۱۶			F
۰/۰۰۱			۰/۰۰۳			سطح معنی‌داری

F محاسبه شده برحسب وضعیت شغلی زن و شوهر بزرگ‌تر از F جدول با درجه آزادی ۳، ۳۹۶، به ترتیب در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ است. بنابراین بین میانگین‌های نمرات همسرآزاری شوهر برحسب وضعیت شغلی زن و شوهر تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد در رابطه با وضعیت شغلی زن فقط بین میزان همسرآزاری شوهران زنان کارگر با میزان همسرآزاری شوهران زنان دانشجو و میزان همسرآزاری شوهران زنان دارای مشاغل بالا تفاوت معنی‌دار وجود دارد. زنان کارگر بیشتر از گروه‌های دیگر به وسیله شوهرانشان مورد همسرآزاری قرار می‌گیرند. همچنین در رابطه با وضعیت شغلی شوهر میزان همسرآزاری در شوهرانی که کارگر یا دارای مشاغل آزاد هستند به طور معنی‌داری بیش از گروه‌های دیگر است.

۵. رابطه همسرآزاری و میزان درآمد

به منظور بررسی رابطه همسرآزاری و میزان درآمد خانواده، آزمودنی‌ها براساس میزان درآمد به سه دسته درآمد پایین (پایین‌تر از ۱۲۰ هزارتومان)، درآمد متوسط (بین ۱۲۰ تا ۲۵۰ هزارتومان) و درآمد بالا (بیش از ۲۵۰ هزارتومان) تقسیم شدند.

میانگین همسرآزاری سه گروه با درآمد پایین، متوسط و بالا به ترتیب عبارت بود از: ۳۷/۶، ۴۷/۵۱ و ۴۵/۸۵. با افزایش درآمد میانگین همسرآزاری کاهش می‌یابد. به منظور بررسی معنی‌داری تفاوت بین میانگین‌های سه گروه از آزمون تحلیل واریانس یک‌سویه استفاده شد.

جدول شماره ۵. تحلیل واریانس یک‌سویه برای مقایسه همسرآزاری برحسب سه گروه درآمدی

درآمد			منبع واریانس
کل	درون گروه‌ها	بین گروه‌ها	
۱۳۸۲۸۰	۱۳۶۱۹۱/۸۷	۲۰۸۸/۱۳	مجموع مجذورات SS
	۳۴۳/۰۵	۱۰۴۴/۰۶	میانگین مجموع مجذورات MS
۳۹۹	۳۹۷	۲	رابطه آزادی d.f
	۳/۰۴		F
	۰/۰۴		سطح معنی‌داری

F محاسبه شده برحسب سه گروه با درآمد پایین، متوسط و بالا ۳/۰۴ و بزرگ‌تر از F جدول با درجه آزادی ۳۹۷، ۲ در سطح کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین بین میانگین‌های نمرات همسرآزاری سه گروه با درآمد پایین، متوسط و بالا تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۶. رابطه همسرآزاری با مصرف الکل و مواد مخدر به وسیله شوهر

به منظور بررسی رابطه همسرآزاری با مصرف الکل و مواد مخدر به وسیله شوهر، میانگین نمرات همسرآزاری زنانی که شوهرانشان از الکل و مواد مخدر استفاده می‌کنند با زنانی که شوهرانشان از الکل و مواد مخدر استفاده نمی‌کنند محاسبه شد و تفاوت بین میانگین‌های آنها با آزمون آماری t برای گروه‌های مستقل مورد مقایسه قرار گرفت.

جدول شماره ۶. نتایج بررسی رابطه همسرآزاری با مصرف الکل و مواد مخدر به وسیله شوهر

نوع مواد	آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی داری
الکل	مصرف	۶۶	۶۱/۲۹	۲۸/۸۶	۶/۴۱	۰/۰۰۱
	عدم مصرف	۳۳۴	۴۵/۹۷	۱۴/۶۱		
مخدر	مصرف	۳۹	۷۴/۸۹	۳۰/۴۰	۱۰/۵۳	۰/۰۰۱
	عدم مصرف	۳۶۱	۴۵/۶۴	۱۴/۲۴		

میانگین همسرآزاری در شوهرانی که از الکل استفاده می‌کنند بیشتر از شوهرانی است که از الکل استفاده نمی‌کنند. تفاوت میانگین بین این دو گروه معنی دار است ($t = 6/41, d.f = 398$)؛ یعنی زنانی که شوهرانشان الکل مصرف می‌کنند بیشتر از زنانی که شوهرانشان الکل مصرف نمی‌کنند، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

همچنین میانگین همسرآزاری در شوهرانی که از مواد مخدر استفاده می‌کنند بیشتر از شوهرانی است که از مواد مخدر استفاده نمی‌کنند. بین دو گروه تفاوت معنی دار وجود دارد ($t = 10/53, d.f = 398$)؛ یعنی زنانی که شوهرانشان مواد مخدر مصرف می‌کنند بیشتر از زنانی که شوهرانشان مواد مخدر مصرف نمی‌کنند، مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند.

۷. رابطه همسرآزاری با طول مدت ازدواج

به منظور بررسی رابطه همسرآزاری با طول مدت ازدواج، «ضریب همبستگی پیرسون»، بین میزان همسرآزاری و مدت زمان ازدواج محاسبه شد. ضریب محاسبه شده برابر ۰/۲۱ است که در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی دار است. این بدین معنی است که با افزایش مدت زمان ازدواج میزان همسرآزاری افزایش می‌یابد.

۸. رابطه همسرآزاری با سوءرفتار نسبت به شوهر در کودکی

به منظور بررسی رابطه همسرآزاری با سوءرفتار نسبت به شوهر در کودکی، میانگین همسرآزاری در شوهرانی که در کودکی در خانواده مورد سوءرفتار قرار گرفته بودند و میانگین همسرآزاری در شوهرانی که در کودکی در خانواده مورد سوءرفتار قرار نگرفته بودند محاسبه شد. به منظور بررسی تفاوت بین دو میانگین، از آزمون آماری t برای دو گروه مستقل استفاده شد.

جدول شماره ۷. نتایج بررسی رابطه همسرآزاری با سوءرفتار نسبت به شوهر در کودکی

سطح معنی داری	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	آماره
۰/۰۰۱	۸/۰۴	۲۸/۷۲	۶۹/۶۴	۳۹	داشته‌اند
		۱۵/۶۰	۴۶/۲۱	۳۶۱	نداشته‌اند

چنان که مشاهده می‌شود t محاسبه شده بزرگ‌تر از t جدول با درجه آزادی ۳۹۸ در سطح ۰/۰۰۱ است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه‌گیری می‌شود که بین میزان همسرآزاری دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بدین ترتیب یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان همسرآزاری در زنانی که شوهرانشان در کودکی در خانواده مورد سوءرفتار قرار گرفته‌اند بیشتر است.

نتیجه‌گیری

میزان همسرآزاری گزارش شده ۸۱/۷ درصد در شهر تهران از میزان آن در برخی کشورها از جمله امریکا (۳۰ تا ۳۵ درصد) و کنیا (۴۲ درصد) بیشتر است.

میزان همسرآزاری به دست آمده مربوط به تمامی آزمودنی‌هایی است که گاهی تا همیشه مورد همسرآزاری قرار گرفته‌اند.

علت عدم تقسیم میزان همسرآزاری به کم، متوسط و زیاد برحسب یک یا دو انحراف معیار از میانگین چنان که در دیگر پژوهش‌ها مرسوم است که همسرآزاری هر مقدار که باشد توجیه منطقی ندارد و نمی‌توان گفت که این مقدار از آن طبیعی و قابل اغماض است و این مقدار از آن غیرطبیعی و غیرقابل اغماض. باید توجه داشت که تحمل اجتماعی نه تنها به بقای خشونت خانگی کمک می‌کند بلکه موجب افزایش آن نیز می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین وضعیت اقتصادی و میزان همسرآزاری است. دیگر پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که بین خشونت و نابسامانی وضعیت اقتصادی و فقر رابطه وجود دارد. فقر تولید تنش می‌کند و این تنش به وجود آمده می‌تواند موجب خشونت خانگی شود (جوکس^۱، ۲۰۰۲). به نظر می‌رسد افزایش درآمد خانواده به دلیل اشتغال زن و کنترل بیشتر وی بر درآمد خانواده موجب کاهش میزان خشونت خانگی می‌شود (شولر^۲ و همکاران، ۱۹۹۸).

میزان تحصیلات زن و شوهر در پژوهش حاضر با میزان همسرآزاری رابطه داشت. پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که تحصیلات بالای زن مرد موجب کاهش خشونت خانگی می‌شود (مارتین^۳ و همکاران، ۱۹۹۹).

شغل زن و شوهر در پژوهش حاضر با میزان همسرآزاری رابطه دارد و میان زن و شوهرهای کارگر و کارمند میزان همسرآزاری بیشتر از میزان آن در زن و شوهرهای دکتر و مهندس است. این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش دیگری که نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی زنان و نامناسب بودن شغل

1 . Jeweks
2 . Schuler
3 . Martin

آنها موجب افزایش خشونت شوهران نسبت به آنها می شود مشابه است (رافائل^۱ و تولمن^۲، ۱۹۹۷).

بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت میزان تحصیلات زن و شوهر و مشاغلی که از درآمد بیشتر و موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردارند، امکان بروز خشونت را در خانواده کاهش می دهند.

در مورد تجربه خشونت در دوران جامعه پذیری و رابطه تجزیه سوء رفتار خانواده نسبت به شوهر در کودکی با همسرآزاری در بزرگسالی نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می دهند تجربه خشونت در دوران کودکی موجب می شود کودک یاد بگیرد که در برخی موقعیت ها، اعمال خشونت امری طبیعی است. به این ترتیب مردان یاد می گیرند که خشونت به خرج دهند و زنان نیز یاد می گیرند که خشونت و رفتار پرخاشگرانه را تحمل کنند.

رابطه همسرآزاری و استفاده از الکل و مواد مخدر با نتایج پژوهش های دیگر که نشانگر رابطه بین همسرآزاری و استفاده از الکل و مواد مخدر هستند مشابه است. به نظر می رسد استفاده از الکل و مواد مخدر قضاوت را ناقص، بازداری را کاهش و پرخاشگری را افزایش می دهد.

غالباً در میان خانواده ها این تصور وجود دارد که افزایش سن و افزایش مدت زمان زندگی زناشویی نه تنها موجب کاهش میزان همسرآزاری نمی شوند بلکه افزایش آن را نیز موجب می شوند. این امر می تواند ناشی از عدم رویارویی، ناتوانی در رویارویی یا فراهم نبودن امکانات رویارویی زنان با رفتار همسرآزاری شوهرانشان باشد که به مرور موجب تقویت و افزایش این رفتار در شوهران آنها می شود.

بنابراین رواج میزان همسرآزاری بسیار زیاد در شهر تهران به طور قابل توجهی تحت تأثیر تجربه خشونت نسبت به شوهر در دوران کودکی به وسیله شوهر خانواده

1 . Raphael

2 . Tolman

و از سوی دیگر تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی مانند میزان درآمد و سطح تحصیلات زن و شوهر است.

با توجه به ارتقای سطح تحصیلات زنان، تصویب قانونی جامع برای مقابله با خشونت خانگی، بهبود وضعیت اقتصادی زنان جامعه و اجرای طرح‌های حمایتی - ایمنی برای زنانی که از این‌گونه شوهران جدا می‌شوند و ارائه برنامه‌هایی مانند فراهم کردن خدمات حقوقی، پزشکی و روان‌شناختی برای زنانی که مورد آزار قرار می‌گیرند، می‌توانند در کاهش میزان خشونت خانگی مؤثر واقع شوند.

تحول نظام آموزشی و ارائه آموزش‌های لازم به نوجوانان در مدارس و مراکز آموزش عالی و رسانه‌ها می‌تواند در بلند مدت موجب کاهش خشونت خانگی شود. با توجه به این که خشونت خانگی هزینه زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند کاهش و یا از بین بردن آن نه تنها از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است بلکه موجب می‌شود محیط خانواده چنان چه از آن انتظار می‌رود محیط امن و سالمی برای اعضای آن باشد.

منابع

- سام گیس، بنفشه (۱۳۷۷)، «چرا همسرانشان را آزار می دهند؟»، *روزنامه خرداد*، ۸ دی.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹)، *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*، ویرایش اول، روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهر تهران*.
- مرکز مطالعات و تحقیقات زنان (۱۳۷۹)، *کارگاه خشونت علیه زنان و روش های پیشگیری و حمایت از قربانیان آن*.
- American Psychological Association (1996), *Violence and the Family*, Report of the American Psychological Association Presidential Task Force on Violence and the Family, p. 10.
- Bennett, L., and M. Lawson, (1994), "Barriers to Cooperation Between Domestic Violence and Substance Abuse Programs", *Families in Society : The Journal of Contemporary Human Services*, Vol. 75, pp. 277-286.
- Bunch, C. (1990), "Women's Rights as Human Rights : Toward a Revision of Human Rights", *Human Right Quarterly*, Vol. 12, pp. 486-498.
- Fleming, J. (1979), *Stopping Wife Abuse*, New York : Anchor Press/ Doubleday.
- Israel, G. D. (1992), *Determining Sample Size*, Program Evaluation and Organization Development, IFAS, University of Folorida, PEOD-5, November.

- Jaffe, P. et al. (1990), *Children of Battered Women*, Thousand Oaks, CA : Sage.
- Jeweks, R. (2002), "Intimate Partner Violence : Causes and Prevention", *Lancet*, Vol. 359, pp. 1423-1427.
- Johnston, M. E. (1988), "Correlate of Early Violence Experience Among Men Who Are Abusive Toward Female Mates", in M. A. Straus (Eds.), *Family Abuse and Its Consequences : New Directions in Research*, edited by G. T. Hotaling et al., Newbury Park, CA : Sage.
- Martin, S.L. et al. (1999), "Domestic Violence in Northern India", *American Journal of Epidemiology*, Vol. 150, pp.417-426.
- Moffitt, T. E. et al. (1997), "Do Partners Agree about Abuse in their Relationship? A Psychometric Evaluation of Interpartner Agreement", *Psychological Assessment*, Vol.9, No. 1, pp. 47-56.
- Osmond, M. W., and B. Thorne (1993), "Feminist Theories: The Social Construction of Gender in Families and Society", in *Sourcebook of Family Theories and Methods : A Contextual Approach*, edited by P. G. Boss et al., pp. 591-623, New York : Plenum Press.
- Patterson, G. R. et al. (1982), "A Comparative Evaluation of Parent Training Procedures", *Behavior Therapy*, Vol. 13, pp. 638-650.
- Peterson, C. et al. (1993), *Learned Helplessness : A Theory for the Age of Personal Control*, Oxford : Oxford University Press.

- Rao, V. (1997), "Wife - Beating in Rural South India : A Qualitative and Econometric Analysis", *Social Science and Medicine*, Vol. 44, No. 8, pp. 1169-1180.
- Raphael, J. and R. Tolman (1997), *Trapped by Poverty, Trapped by Abuse : New Evidence Documenting the Relationship Between Domestic Violence and Welfare*.
- Schuler, S. R. et al. (1998), "Men's Violence Againsts Women in Rural Bangladesh : Undermined or Exacerbated by Microcredit Programmes?", *Development in Practice*, Vol. 8, No. 2, pp. 148-157.
- Snell, J. E. et al. (1964), "The Wife Beater's Wife : A Study of Family Interaction", *Archives of General Psychiatry*, Vol. 11, pp. 107-113.
- Straus, M. A. (1977), "A Sociological Perspective on the Prevention and Treatment of Wifebeating", in *Battered Women : A Psychosociological Study of Domestic Violence*, edited by M. Roy, pp. 194-239, New York : Van Nostrand Reinhold.
- Viano, E. C. (1992), "Violence Among Intimates : Major Issues and Approaches", in *Intimate Violence : Interdisciplinary perspectives*, edited by E. C. Viano, pp. 3-12, Philadelphia : Hemisphere Publishing.
- Walker, L. E. (1979), *The Battered Woman*, New York : Harper and Row.
- World Bank (1993), *World Development Report 1993 : Investing in Health*, New York : Oxford University Press.

- World Health Organization (1997), *Violence Against Women*, Geneva.